

### درس نامه

ابتدا معنی این کلمه‌ها را یاد بگیرید، سپس درس‌نامه را بخوانید: «بیان: حرف زدن / منظور تان را انتقال دهید: چیزی که در فکرتان است به دیگران بگویید / واژه: کلمه / واضح: روشن، معلوم / درک: فهم / متن: نوشته / مطلب: مسئله، موضوع، گفته / مطالب: جمع مطلب.»

استعداد کلامی همان قدرت بیان است. هر چه استعداد کلامی بیشتر و بالاتر باشد، بهتر و راحت‌تر می‌توانید منظور تان را به دیگران انتقال دهید. کسی که استعداد کلامی بالاتری دارد، منظور صحبت‌ها، سخنرانی‌ها و یا داستان‌ها را بهتر و سریع‌تر می‌فهمد و می‌تواند مطالب مهم یک نوشته یا صحبت را از مطالب غیرمهم آن تشخیص دهد. کسی که استعداد کلامی بالاتری دارد، واژه‌های زیادی می‌داند تا به کمک آن‌ها بتواند منظور خود را واضح‌تر بیان کند. آدمی با استعداد کلامی بالا می‌تواند یک وکیل موفق، معلم موفق و یا نویسنده‌ای موفق باشد، چون در این شغل‌ها شما باید بتوانید آن‌چه را در فکر خود دارید، به زبان بیاورید و به دیگران بفهمانید.

در این فصل دو بخش مهم داریم: بخش اول داستان‌ها و بخش دوم اطلاعات عمومی؛ به کمک بخش اول، قدرت درک شما از نوشته‌های دیگران بالا می‌رود و مطالب مهم در متن را کشف می‌کنید و نظرات خود را به زبان می‌آورید (این‌جا به صورت مکتوب)، در بخش دوم فعالیت‌هایی در نظر گرفته شده است که بتوان به کمک آن‌ها، تعداد واژه‌هایی را که می‌دانید افزایش دهید. شما هر چه تعداد کلمه‌های بیشتری بدانید راحت‌تر می‌توانید در انتقال فکر خود به دیگران موفق باشید.

### داستان‌ها

ابتدا داستان را بخوانید و سپس فعالیت‌های پایان داستان را انجام دهید.

**سایه‌ها:** (نویسنده: سید علی موسوی)



کرم کوچولو بعد از یک باران دلپذیر، زمانی که خورشید وسط آسمان بود به روی خاک آمد تا هوایی تازه کند. نفس عمیقی کشید که ناگهان، سایه‌ی سیاه جوجه‌ای را بالای سرش احساس کرد. خیلی ترسید و به سرعت خودش را به سمت لانه‌اش کشید که جوجه دوید و نوکش را به سمت او آورد.

درست همان لحظه، سایه‌ی سیاه گربه‌ای بالای سر جوجه کوچولو افتاد. جوجه کوچولو

قلبش تندتند می‌زد و خیلی زود تصمیم گرفت که پا به فرار بگذارد. دوید و دوید و دوید که ناگهان با ضربه‌ی مشت گربه در هوا چندتا چرخ زد. همین‌که گربه خواست جوجه‌ی گیج و از حال رفته را یک لقمه‌ی چرب کند، گربه کوچولو، سایه‌ی سیاه سگی را بالای سرش احساس کرد. سگ به دنبال گربه و گربه هم پا به فرار، از این طرف مزرعه به آن طرف مزرعه تا این‌که گربه از مزرعه بیرون پرید و سگ دست از دنبال کردن او برداشت و نشست درست همان قسمتی که کرم کوچولو لانه داشت.

کرم کوچولو به کنارش آمد و گفت: «از این‌که من را از دست آن جوجه‌ی وحشی نجات دادی، ممنونم.»

سگ که از حرف‌های او تعجب کرده بود، گفت: «من که دنبال گربه کردم. من جوجه را از دست گربه نجات دادم. ببینم ... تو باید از گربه تشکر کنی که تو را از دست جوجه نجات داد!» کرم کوچولو که فقط از سگ و گربه، یک سایه‌ی بزرگ می‌فهمید، پرسید: «یعنی گربه از شما قوی‌تر است؟» سگ پاسخ داد: «نه عزیزم! گفتم که گربه از دست من فرار کرد. جوجه از دست گربه فرار کرد و تو از دست جوجه.» کرم کوچولو که رنگش پریده بود گفت: «شما که از همه قوی‌تری پس چرا من را نمی‌خوری؟» سگ پاسخ داد: «...».



## پرسش‌ها



۱ به نظر تو سگ چه جوابی به کرم داد؟



۲ «شخصیت یعنی افراد یا موجوداتی که در داستان کاری انجام دادند یا حرفی زدند.» این داستان چند شخصیت داشت؟ نام آن‌ها را بنویس.



۳ کدام شخصیت‌های داستان با هم حرف زدند؟ ..... و .....



۴ به نظر تو شخصیت اصلی داستان چه کسی بود؟ چرا؟



۶ داستان در کجا اتفاق افتاد؟



۵ داستان در چه زمانی از روز اتفاق افتاد؟



۷ در داستان چه مشکلی به وجود آمد؟



۸ مشکل داستان چگونه حل شد؟



۹ چرا سگ دنبال کرم کرد؟



۱۰ چرا کرم از لانه‌اش بیرون آمد؟

فروشگاه کتاب‌های درسی و تفریحی



۱۱ چرا نویسنده اسم داستان را «سایه» گذاشته است؟

۱۲ هر عبارت را به تصویر مربوط به آن وصل کن.

۵- از همه قوی تر بود.

۴- از مزرعه بیرون رفت.

۳- کنار لانه‌ی کرم نشست.

۲- دنبال هیچ کسی نکرد.

۱- سرش گیج رفت.



۱۳ سایه‌ی سیاه کدام حیوان بالای سر سگ بود؟

هیچ کدام

گره

جوجه

کرم

۱۴ سگ از حرف‌های چه کسی تعجب کرده بود؟

هیچ کدام

گره

جوجه

کرم

۱۵ کدام ضرب‌المثل به نتیجه‌ی این داستان مربوط است؟

دست بالای دست بسیار است.

از دعای گره سیاه باران نمی‌بارد.

خریزه‌ی خوب را کرم می‌خورد.

جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.

۱۶ به نظر تو کدام حیوان مهربان‌تر از بقیه بود؟ چرا؟

**دُم‌بَریده:** (نویسنده: سید علی موسوی)



اسم موش کوچولوی قصه‌ی ما «آپی» بود، اما هیچ کس او را «آپی» صدا نمی‌زد و همه به او می‌گفتند «دُم‌بَریده». از وقتی که دُمش زیر کمد گیر کرده بود و یک ذره از آن کنده شده بود، همه او را «دُم‌بَریده» صدا می‌زدند. آخر تقصیر خودش هم بود! چون برای زخم به آن کوچکی، کلی پانسمان به دُمش بسته بود و دُمش شبیه جارو شده بود.



اما آپی دوست نداشت که او را دُم‌بریده صدا بزنند. همه‌ی اهل محل و دوستانش و حتی برادر و خواهرش هم او را دُم‌بریده صدا می‌زدند. او پیش پزشک رفت و گفت: «آقای دکتر! می‌توانید دُمم را به شکل اوّل در بیاورید؟» پزشک گفت: «دُم‌بریده‌ی عزیزم! می‌توانم دُمت را جراحی کنم تا مثل روز اول سالم و کامل شود، اما فکر خرجش را کردی؟ من برای این کار، صد سکه می‌گیرم.» برق از سر آپی پرید! گفت: «صد سکه؟!» آپی که فقط ده سکه داشت، باید سه ماه روزی یک سکه پس‌انداز می‌کرد تا بتواند خرج عمل جراحی‌اش را جور کند. او خیلی به خودش سختی داد. هر روز تا آخر شب کار می‌کرد و خرج‌های اضافی را کنار گذاشته بود تا بتواند پول جراحی دُمش را آماده کند. بالاخره پول‌های آپی آماده شد و او پیش دکتر رفت تا دُمش را جراحی کند. او خیلی خوشحال بود. چون از فردا دُم‌بریده نبود و موش‌ها می‌توانستند او را «آپی» صدا بزنند. بعد از عمل جراحی، دکتر دم آپی را پانسمان کرد و گفت: «تا سه روز دیگر دست به پانسمان دُمت نزن.» موش‌ها در این سه روز تا آپی را می‌دیدند به او می‌گفتند: «دُم‌بریده؟! باز چه بلایی سر دُمت آوردی?!» اما آپی این سه روز را هم تحمل کرد.

صبح روز چهارم، پانسمان دُمش را باز کرد و خوشحال و خندان رفت توی کوچه، ولی انگار موش‌ها یادشان رفته بود که اسم واقعی دُم‌بریده چیست و باز هم او را دُم‌بریده صدا می‌زدند! راستی اسم واقعی دُم‌بریده چی بود؟!

## پرسش‌ها



۱۷ دوتا از شخصیت‌های مهم داستان را بنویس.



هر کدام از این سؤال‌ها را چه کسی پرسیده است؟

۱۸ فکر خرجش را کردی؟

۱۹ باز چه بلایی سر دُمت آوردی؟

۲۰ می‌توانید دُمم را به شکل اوّل در بیاورید؟



۲۱ به نظر تو دکتر، موش خوبی بود؟ چرا؟



۲۲ به نظر تو دوستان آپی موش‌های خوبی بودند؟ چرا؟





۲۳ دُم آپی کجا بریده شد؟



۲۳ از وقتی که آپی پیش پزشک رفت تا وقتی دُمش خوب شد، چند روز طول کشید؟



۲۵ در داستان چه مشکلی به وجود آمد؟



۲۶ مشکل داستان چگونه حل شد؟



۲۷ چرا با این که آپی دُمش خوب شده بود، باز هم ناراحت بود؟



۲۸ چرا دُم بریده روزها تا شب کار می کرد؟



۲۹ چرا با این که دُمش خوب شده بود باز هم او را دُم بریده صدا می زدند؟



۳۰ کدام ضرب‌المثل به موضوع داستان مربوط می شود؟

جوجه را آخر پاییز می شمارند.

دروازه‌ی شهر را می شود بست ولی دهان مردم را نه.

موش توی لانه اش نمی رفت، جارو به دُمش می بست.

کَل اگر طبیب بودی سر خود دوا نمودی. (کَل = کچل، طبیب = پزشک)



۳۱ برق از سر آپی پرید، یعنی ..... .

ناراحت شد

ترسید

خوشحال شد

تعجب کرد



## درس نامه

ما برای انجام هر کاری، نیاز به حافظه داریم. اطلاعاتی که در حافظه‌ی ما هستند به ما کمک می‌کنند که از هر استعدادی به بهترین شکل استفاده کنیم. حافظه دو نوع است. حافظه‌ی کوتاه‌مدت یا فعال و حافظه‌ی بلندمدت. وقتی که ما به شماره تلفنی نگاه می‌کنیم و تا لحظه‌ی گرفتن شماره آن را حفظ می‌کنیم، از حافظه‌ی کوتاه‌مدت خود استفاده کرده‌ایم. این حافظه گنجایش خیلی کمی دارد ما بین ۵ تا ۹ واحد می‌توانیم در حافظه‌ی کوتاه‌مدت خود نگه داریم؛ اما حافظه‌ی بلندمدت ما گنجایش نامحدودی دارد. اطلاعات با تمرین و تکرار از حافظه‌ی کوتاه‌مدت به حافظه‌ی بلندمدت می‌روند. برای این‌که موضوعات مختلف را راحت‌تر به حافظه بسپارید چند روش آموزش می‌دهیم.

### روش اول: بخش‌بخش کردن

در این روش به جای این‌که شش عدد ۷ - ۸ - ۵ - ۲ - ۲ - ۴ را حفظ کنیم آن را به سه بخش تقسیم می‌کنیم ۴۲ و ۲۵ و ۸۷؛ این‌طور حفظ کردن آن برای ذهن ما آسان‌تر می‌شود.

### روش دوم: تمرین پراکنده یا مطالعه‌ی بافاصله

در این روش مطلبی را که فقط حفظ کرده‌ایم در زمان‌های مختلف مرور می‌کنیم تا فراموش نشود. مثلاً اگر معنی چند کلمه‌ی تازه را در فارسی قبل از شروع درس، بعد از پایان درس و قبل از خواب تکرار کنیم، حافظه راحت‌تر آن را به خاطر می‌سپارد، چون ۳ بار تکرار شده‌اند.

### روش سوم: برجسته کردن اطلاعات مهم

برای مطالب پیچیده چون حفظ کردن همه‌ی آن‌ها دشوار است، اطلاعات مهم آن را مشخص می‌کنیم و آن‌ها را به خاطر می‌سپاریم. کلمه‌هایی که کلیدی و مهم هستند با یادداشت‌برداری یا خط‌کشیدن زیر کلمه مشخص می‌شوند؛ مثلاً کتاب شاهنامه اثر ابوالقاسم فردوسی است. کلمه‌های مهم در این جمله «شاهنامه» و «فردوسی» است. برای استفاده از این روش باید بتوانیم کلمه‌های مهم را از کلمه‌های دیگر تشخیص دهیم.

### روش چهارم: استفاده از ربط دهنده

مثلاً شما می‌خواهید دو کلمه‌ی ساعت و سبد را با هم حفظ کنید. شما برای این کار می‌توانید بگویید ساعت داخل سبد است. این‌طور راحت‌تر دو کلمه را به خاطر می‌سپارید.

### روش پنجم: تصویرسازی ذهنی

این روش برای حفظ کردن کلمه‌های خارجی خیلی کاربردی است؛ مثلاً قبض به انگلیسی می‌شود بیل، حالا برای این‌که این کلمه یادتان بماند، یک قبض تلفن را داخل یک بیل تصور کنید.





## روش ششم: سروازه یاسرنامه

در این روش حرف‌های اول چند کلمه را که می‌خواهیم حفظ کنیم به هم می‌چسبانیم و کلمه‌ی جدید درست می‌کنیم. مثلاً می‌خواهیم چهار کلمه‌ی باد، آب، خورشید و نفت را حفظ کنیم، می‌توانیم با گذاشتن ۴ حرف اول آن‌ها کنار هم کلمه‌ی

نخاب را درست کنیم.

نفت خورشید آب باد

روش‌های دیگری مثل خلاصه‌نویسی یا یادداشت‌برداری و ... هم وجود دارد. با تمرین‌های این فصل و کمک‌گرفتن از روش‌ها، حافظه‌های خود را تقویت کنید.

در این فصل سه نوع تمرین داریم:

- ۱ تمرین‌های مربوط به حافظه‌ی کوتاه‌مدت
- ۲ تمرین‌های مربوط به حافظه‌ی میانی
- ۳ تمرین‌های مربوط به حافظه‌ی بلندمدت

## پرسش‌ها

### بخش اول: تمرین‌های مربوط به حافظه‌ی کوتاه‌مدت:

یک کاغذ بردارید تا بتوانید با آن روی سؤال‌ها را بیوشانید. کم‌تر از ده ثانیه به عبارت‌های سمت راست نگاه کنید، سپس بلافاصله آن‌ها را در سمت چپ بنویسید. قبل از این‌که بخواهید پاسخ هر سؤال را بنویسید، حتماً با کاغذ روی سؤال را بیوشانید:

	۹-۰-۳-۸-۵	۱
	۳-۴-۲-۲-۷	۲
	۰-۱-۳-۵-۱-۸	۳
	۹-۶-۷-۰-۴-۰	۴
	۷-۱-۳-۷-۶-۶	۵
	۳-۸-۱-۷-۰-۹-۹	۶
	۵-۲-۳-۱-۵-۳-۴	۷
	۳-۷-۲-۱-۸-۵-۷	۸
	۶-۴-۲-۱-۶-۸-۷-۷	۹
	۲-۴-۴-۴-۸-۲-۰-۶	۱۰
	۷-۱-۱-۰-۶-۸-۸-۵	۱۱
	۸-۸-۴-۷-۱-۸-۸-۴-۹	۱۲
	۹-۴-۹-۳-۷-۳-۱-۹-۳	۱۳
	۱-۶-۶-۲-۸-۲-۴-۲-۸	۱۴
	ب-ن-د-س-ر	۱۵





	خ - پ - ر - د - ج	۱۶
	ف - گ - ظ - ه - ج	۱۷
	غ - ع - ک - ج - ن - س	۱۸
	ن - ظ - ه - ح - ص - م	۱۹
	ت - ن - ز - غ - ش - پ	۲۰
	چ - ل - غ - ک - ص - ج - ک	۲۱
	خ - ص - م - ه - گ - ع - غ	۲۲
	ز - ذ - گ - ب - ن - ج - ل	۲۳
	ز - ژ - ه - و - خ - س - گ - ج	۲۴
	ق - خ - ر - ف - ش - ع - ت - ظ	۲۵
	پ - م - م - ص - ظ - ض - ل - ظ	۲۶
	خ - ث - ح - غ - ش - ی - ف - ت - ف	۲۷
	ظ - ص - ل - ش - ع - ک - س - چ - ر	۲۸
	ض - و - ض - ن - گ - ص - ح - ت - غ	۲۹

همین تمرین را به صورت برعکس انجام دهید؛ مثلاً اگر نوشته شده ۱ - ۲ - ۵ - ۳، شما بنویسید ۳ - ۵ - ۲ - ۱ یا اگر نوشته شده «د - س - ظ - ب»، شما بنویسید «ب - ظ - س - د».

	۷ - ۱ - ۴ - ۱	۳۰
	۲ - ۴ - ۸ - ۱	۳۱
	۰ - ۵ - ۲ - ۷	۳۲
	۷ - ۸ - ۷ - ۰ - ۲	۳۳
	۳ - ۲ - ۱ - ۶ - ۴	۳۴
	۳ - ۲ - ۹ - ۵ - ۰	۳۵
	۵ - ۶ - ۲ - ۶ - ۶ - ۷	۳۶
	۶ - ۰ - ۵ - ۱ - ۷ - ۳	۳۷
	۷ - ۶ - ۹ - ۳ - ۹ - ۸	۳۸
	ذ - گ - ژ	۳۹
	د - ف - ح	۴۰
	ق - ژ - ث	۴۱
	ی - ت - ه - د	۴۲
	غ - س - ط - ش	۴۳
	ذ - ه - پ - ژ	۴۴
	چ - ح - س - ز - پ	۴۵







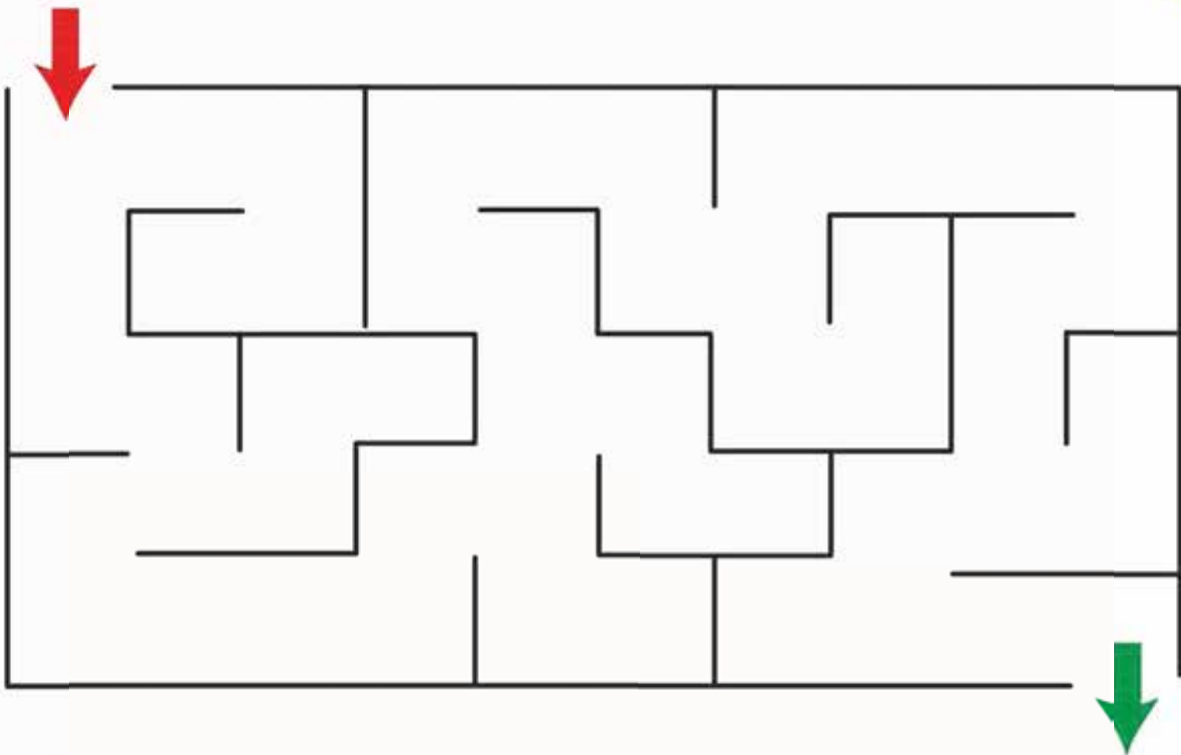
	ل - ذ - س - ز - چ	۴۶
	ک - چ - ب - ه - م	۴۷
	ببر - شیر - پلنگ	۴۸
	سگ - گربه - الاغ	۴۹
	شغال - روباه - گرگ - گراز	۵۰
	طوطی - کبوتر - طاووس - عقاب	۵۱
	موز - سیب - خیار - انار - لیمو	۵۲

### بخش دوم: تمرین‌های مربوط به حافظه‌ی مبانی:

برای انجام این تمرین‌ها باید بین دیدن کلمه‌ها و اعداد و پاسخ دوباره، حداقل ۲ دقیقه زمان بگذرد برای همین بعد از هر تمرین یک معمای مارپیچ طراحی کرده‌ایم تا این زمان بگذرد و سپس به سؤال جواب دهید. به مدت ۳۰ ثانیه به اعداد این جدول نگاه کنید و آن‌ها را به خاطر بسپارید. 🥕

۹	۲	۳
۱	۴	۸
۷	۶	۵

۵۳ حالا این معمای مارپیچ را حل کنید.





# استعداد تجسم فضایی

۴  
فصل

## درسنامه

### پازل

کسانی که استعداد تجسم فضایی بالایی دارند، به راحتی می‌توانند در ذهن خود شکل‌ها و جسم‌ها را بچرخانند و یک دید کلی نسبت به شکل‌ها و اجسام داشته باشند. چنین افرادی نقشه‌خوانی بلد هستند و خیلی کم پیش می‌آید که راه خود را گم کنند. آن‌ها در تخمین اندازه و فاصله هم اشتباهات کمتری دارند و قطعه‌های یک وسیله یا شکل را به راحتی به هم وصل می‌کنند. اگر بخواهیم شغل‌هایی را که مهم‌ترین استعداد در آن‌ها استعداد تجسم فضایی است نام ببریم، از رشته‌های عمران و معماری (به‌خصوص نقشه‌کشی)، مکانیک جامدات، طراح لباس، خیاط، ماکت‌ساز، مجسمه‌ساز، خلبان، کارمندان پست و ... یاد می‌کنیم.

استعداد فضایی از آن جهت مهم است که هر چه را از دروازه‌ی چشم وارد مغز می‌شود، بررسی می‌کند و اگر بتوانیم تصویر یک جسم یا شکل را وقتی که آن شکل نیست تصور کنیم، می‌توانیم درباره‌ی آن فکر کنیم و تصمیم بگیریم. این استعداد برای هنرمندان نیز ضرورت دارد. نقاش، مجسمه‌ساز، خطاط، حتی فیلم‌ساز و عکاس. راننده‌ها و خلبان‌ها نیز برای پارک‌کردن و فرود آمدن به این استعداد نیاز دارند.

اگر استعداد تجسم فضایی شما بالا باشد، حتی برای فکرکردن نیز از آن کمک می‌گیرید؛ مثلاً برای به خاطر سپردن یک کلمه از یک تصویر در ذهن کمک می‌گیرید.

تمرین‌هایی که در این بخش آمده است، به رشد استعداد تجسم فضایی شما کمک زیادی می‌کند؛ چرا که شما با این تمرین‌ها وادار می‌شوید که از استعداد فضایی خود استفاده کنید و هر چه بیشتر از این استعداد استفاده کنید این استعداد بیشتر رشد می‌کند.

### تکه‌های گمشده

هر شکل سمت چپ، چهار بخش دارد که یکی از آن‌ها خالی است. از تکه‌های سمت راست یکی را انتخاب کن که شکل را کامل کند. مانند مثال:

هر روز با دستپاچه‌ها دوام بیاور





# پرستش‌ها



۴



۳



۲



۱

۱



۴



۳



۲



۱

۲



۴



۳



۲



۱

۳



۴



۳



۲



۱

۴



۴



۳



۲



۱

۵



۴



۳



۲



۱

۶



۴



۳



۲



۱

۷

فصل ۱۲: استخوان‌ها و مفاصل





# استعداد عددی و منطقی و استدلالی

## فصل ۵

### درسنامه

#### استعداد ریاضی و تفکر منطقی

استعداد ریاضی و تفکر منطقی یکی از پایه‌های اصلی و اساسی هوش است. حتی در ابتدا همین استعداد را به عنوان هوش کلی می‌شناختند. اما استعداد ریاضی و تفکر منطقی، استعدادی است که به فرد کمک می‌کند تا بتواند رابطه و نظم بین عددها را بفهمد، کشف کند و براساس آن تصمیم بگیرد. کسانی که استعداد ریاضی بالایی دارند، قدرت استدلالشان هم بالاست. استدلال یعنی دلیل آوردن برای هر حرف یا نظر. این افراد هیچ چیز را همین‌طوری قبول نمی‌کنند و برای قبول کردن هر چیزی دلیل‌های قانع‌کننده‌ای لازم دارند.

این استعداد بیشتر از همه برای مهندسان کامپیوتر ضروری است. چرا که آن‌ها می‌خواهند با برنامه‌نویسی به یک موجود بی‌جان (کامپیوتر) دستور بدهند که چه کاری را چه‌طوری انجام دهد. برای فهماندن حرف‌های به یک موجود بی‌جان باید خیلی دقیق و منطقی باشی.

این استعداد برای حساب و کتاب و سود و زیان و حتی خرید و فروش‌های ساده هم کمک‌کننده است. خلاصه این‌که در خیلی از تصمیم‌گیری‌ها شما به کمک استعداد ریاضی خود می‌توانید دو تا چهارتا کنید و بهترین تصمیم را بگیرید. قبل از شروع سؤال‌ها فرق عدد و رقم را توضیح می‌دهیم. عددها از صفر تا هر چه قدر هستند؛ ولی رقم همان‌هایی است که عدد را به وجود می‌آورد. به عنوان مثال عدد ۳۲۴ از سه رقم درست شده است، ۴ و ۲ و ۳ در این عدد، رقم‌های عدد به حساب می‌آیند.

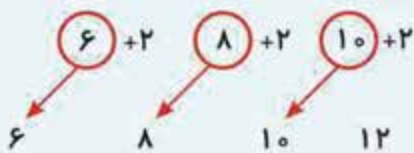
دو برابر: دو برابر یک عدد یعنی جمع آن عدد با خودش؛ مثلاً دو برابر عدد ۵ می‌شود  $۵+۵=۱۰$ .  
رابطه: رابطه یعنی نظم یا قانونی که در عددهای یک الگو که کنار هم قرار گرفته‌اند، وجود دارد.

#### الگوها:

در سؤال‌های زیر چند عدد پشت سر هم آورده شده است. شما باید جای علامت سؤال (?) عددی را انتخاب کنید که نظم عددهای دیگر را به هم نریزد.

۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ?

در این مثال منظمی که وجود دارد این است؛ هر عدد از جمع عدد قبلی + ۲ به دست می‌آید:



پس عدد بعدی  $۱۲+۲=۱۴$  است.

موسسه منتیل دوم دبیرستان



## پرستش‌ها

۱, ۴, ۷, ۱۰, ?

۱۱ ۴

۱۴ ۳

۱۳ ۲

۱۲ ۱

۱

۱۷, ۱۳, ۹, ۵, ?

۴ ۴

۱ ۳

۲ ۲

۱ صفر

۲

۲, ۴, ۶, ۸, ?

۱۲ ۴

۹ ۳

۱۱ ۲

۱۰ ۱

۳

۲, ۴, ۸, ۱۶, ?

۴۸ ۴

۳۲ ۳

۲۴ ۲

۲۰ ۱

۴

۱, ۱, ۲, ۳, ۵, ?

۱۰ ۴

۸ ۳

۷ ۲

۶ ۱

۵

۴۵, ۳۹, ۳۳, ۲۷, ?

۲۵ ۴

۲۲ ۳

۲۱ ۲

۲۰ ۱

۶

۵۵, ۵۰, ۴۶, ۴۳, ?

۳۹ ۴

۴۲ ۳

۴۰ ۲

۴۱ ۱

۷

۸۷, ۷۹, ۷۲, ۶۵, ۵۹, ?

۵۴ ۴

۵۳ ۳

۵۶ ۲

۵۵ ۱

۸

۶, ۷, ۹, ۱۲, ?

۱۶ ۴

۱۴ ۳

۱۷ ۲

۱۵ ۱

۹

۹۷, ۸۶, ۷۵, ۶۴, ?

۵۷ ۴

۴۵ ۳

۵۴ ۲

۵۳ ۱

۱۰

۷, ۹, ۱۳, ۱۹, ۲۷, ?

۳۶ ۴

۳۷ ۳

۳۵ ۲

۳۳ ۱

۱۱

۱۰, ۱۵, ۲۲, ۳۳, ۵۲, ?

۹۲ ۴

۸۳ ۳

۸۷ ۲

۸۵ ۱

۱۲

۱, ۳, ۶, ۱۰, ۱۵, ?

۲۵ ۴

۱۶ ۳

۲۱ ۲

۲۰ ۱

۱۳

قبل از استفاده عددی، منطقی و داستانی